ماه‌نگار دیده‌بان امنیت ملی | شماره ۱۶۳ | آبان ۱۴۰۴

پدافند غیرعامل در جریان جنگ تحمیلی ۱۲ روزه: درس‌هایی برای تقابل‌های احتمالی آتی[۱]

حسین کسمایی‌زاده

خلاصهٔ اجرایی

یکی از سرفصل‌های دفاعی کشور که طی بیش از یک دههٔ گذشته مکرراً مورد توجه قرار داشته و در کلیهٔ اسناد بالادستی کشور مورد تأکید بوده، مبحث پدافند غیرعامل است. هدف پدافند غیرعامل که در حقیقت ترجمه و معادل‌سازی دفاع غیرنظامی است کمینه ساختن صدمات وارده از سوی نیروهای دشمن (یا حوادث غیرمتخاصم) به تأسیسات حیاتی و زیرساخت‌های کشور بود. با آن که جنگ ۱۲ روزه وارد مرحله جنگ زیرساختی همچون دوران دفاع مقدس ۸ ساله نشد، صدمات قابل‌توجهی به زیرساخت‌های صنایع نظامی و تأسیسات دفاعی کشور وارد کرد. همین‌طور بخش سایبری کشور به خصوص در زمینهٔ بانکی متحمل لطماتی گردید. از طرف دیگر مجموعه تمهیدات گسترده‌ای که سازمان پدافند غیرعامل به عنوان بخشی از زیرمجموعهٔ ستاد کل نیروهای مسلح برای درگیری‌های نظامی در نظر گرفته بود (از جمله در زمینهٔ جنگ الکترونیک و اخلال مغناطیسی) توفیق چندانی در منحرف ساختن پرتابه‌های دشمن متخاصم نداشت. با آنکه بسیاری کارشناسان سازمان پدافند غیرعامل را متهم به کوتاهی نسبت به انجام وظایف خود در طول جنگ ۱۲ روزه کرده‌اند اما پاسخ متقابلی از سوی حامیان این سازمان هم وجود دارد مبنی بر اینکه میان پدافند عامل و غیرعامل نیاز به توازنی وجود دارد که در طول تجاوز رژیم صهیونیستی بر هم خورده بود.

ارتقای سرعت عمل در جابه‌جایی تجهیزات منقول نظامی کشور، افزایش تولید اهداف کاذب و گول‌زننده برای دشمن، بهبود مقاوم‌سازی دارایی‌های ارزشمند و اهداف بالقوهٔ

۱. نوشتهٔ حاضر فقط بر اساس اطلاعات آشکار و قابل دسترس در سایت‌های اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی نوشته شده است.

دشـمن، و اقدامـات مورد نیاز بـرای خنثی کردن فلج‌سـازی نظام بانکی کشـور از طریق افزایش تأمین اسـکناس نقد) از جمله پیشـنهادهای مطرح شـده اسـت.

مقدمه

زمانـی کـه در سـال ۱۳۹۳ ابلاغیه تشـکیل سـازمان پدافند غیرعامل توسـط سـتاد کل نیروهای مسـلح ابلاغ گردید هدف از تأسـیس این سـازمان، «افزایـش بازدارندگی، کاهش آسـیب‌پذیری، تـداوم فعالیت‌های ضروری، تسـهیل مدیریت بحـران، ارتقای پایداری ملـی در برابر انواع تهدید و اقدامـات خصمانـه دشـمن» اعلام شـد. از همان ابتدا مشـخص بـود که بعضـی مباحث ذکر شـده ذیل فعالیت این سـازمان ماهیت غیرنظامی دارند و در مواردی در تخصص سـازمان‌های دیگـری هسـتند کـه فعالیـت آنهـا هـم دارای مقـررات قانونـی اسـت. در حیطـهٔ وظایـف ایـن سـازمان، «ارتقـای پایـداری ملـی در برابر انـواع تهدید و اقدامات خصمانه دشـمن» ذکر شـده اسـت. اما مشـکل این سـازمان ایـن بوده کـه در طول قریـب به یک دههٔ گذشـته که مشـغول بـه کار بوده اسـت، کشـور با تهدیـدات متنوعـی مواجه بوده اسـت. این تهدیـدات، از اقدامات خرابکارانـهٔ رژیم صهیونیسـتی علیه زیرسـاخت‌های هسـته‌ای، صنعتی و نظامی کشـور تا وقوع برخـی بلایای طبیعـی یا بیماری جمعی و یا آسـیب‌های زیسـت‌محیطی، مشـکلاتی ایجاد کرده اسـت کـه این سـازمان از مقابلهٔ مؤثر بـا آنها ناتوان بوده اسـت. آنچه بدون تردیـد تا حد زیادی غایـب بـه نظر می‌رسـد ایفـای نقـش سـازمان پدافند غیرعامل اسـت. پرسـش اینجا اسـت که اگر این سـازمان حسـب تعریـف وظایفش وظیفـهٔ ورود به مسـائل این‌چنینـی را دارد، پس چرا در اوج ایـن بحران‌هـا شـاهد حضور چنـدان فعال آن نیسـتیم؟ بـرای نمونه بحـران کرونا قابل اشـاره اسـت. در حالـی که بسـیاری منتظر ایفـای نقش ایـن سـازمان در این بحـران بودند اما خبـر چندانـی از اقدامـات این سـازمان نبـود. در مقابل، این سـازمان در جریـان عملکرد خود در مـواردی ورود می‌کـرد که شـاید به طـور اخص در زمرهٔ وظایـف آن نبود. برای مثـال در حالی کـه چندین و چند دسـتگاه فرهنگی در کشـور وجود داشـت، مباحث فراوانـی در زمینه پدافند غیرعامـل فرهنگی در دسـتگاه‌های اجرایی مطرح می‌شـد کـه اصولاً دلیل طرح آنهـا در پدافند غیرعامـل چندان شناخته‌شـده نبود.

همین انتقادات در جریان جنگ ۱۲ روزه هم مطرح شد. در نگاه اغلب صاحب‌نظران، وضعیت پدافند غیرعامل کشور در جریان تجاوز رژیم صهیونیستی قابل دفاع نبود. جایی که انتظار می‌رفت تحرکات جنگنده‌ها، پهپادها و ریزپرنده‌های دشمن به صورت گسترده به وسیله سیستم‌های الکترونیکی و الکترومغناطیسی خریداری شده در گذشته خنثی شود یا بمب‌های هوشمند رژیم صهیونیستی نتوانند اهداف خود را پیدا کنند؛ به جای اهداف واقعی اهداف کاذب هدف قرار گیرند؛ هواگردهای متخاصم رژیم از یافتن ساده و آسان اهداف ایرانی روی زمین ناتوان بمانند و البته آسیب‌ها به حداقل برسد، امدادرسانی سرعت داشته باشد و بتوان آنچه که آسیب دیده را به سرعت مجدداً عملیاتی کرد.

برای انجام پژوهشی درباره عملکرد پدافند غیرعامل در جریان تجاوز ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی چند دشواری بسیار عمده وجود دارد. نخستین دشواری به این مسئله مربوط می‌شود که اصولاً اطلاعات آشکار در دسترس در مورد نحوه عملکرد پدافند غیرعامل خودی و نیز نحوهٔ فعالیت نیروی هوایی دشمن صهیونیستی تا حد زیادی محدود است. همهٔ آنچه نگارنده در نوشتهٔ حاضر تقدیم می‌کند مبتنی بر اطلاعات آشکار و در دسترس عموم در فضای رسانه‌ای است.

دشواری عمده دوم مربوط به گستردگی حوزه بررسی این موضوع است که شامل بحث‌های فنی پیچیده در حوزه‌های گستردهٔ مختلفی مانند الکترونیک، رادار، مخابرات و ارتباطات، هوانوردی نظامی، جنگال، مهندسی سازه و غیره است. دشواری سوم مربوط به ارائه راه‌حل‌هایی برای بهبود عملکرد پدافند غیرعامل است. در شرایط کنونی کشور که تنگناهای مالی و اقتصادی، گریبان نیروهای مسلح را گرفته است، فشار تحریم‌ها مانع دستیابی به فناوری روز جهان می‌شود و مسائل اجرایی و نهادی و برخی رقابت‌های داخلی، به کُندی عملکردها منتهی می‌شود، به سختی می‌توان راه‌حل‌های عملی و قابل استفاده بیان کرد. با این حال امکان آن هست که هم بر اساس تجربیات جنگ ۱۲ روزه و هم بر اساس تجربیات جهانی کشورهای دیگر (برای مثال جنگ روسیه و اوکراین و جنگ سه‌روزهٔ هند و پاکستان) اقدامات مؤثری را برای پدافند غیرعامل کشور پیشنهاد کنیم.

عناصر کلیدی پدافند غیرعامل

در مورد پدافند غیرعامل عناصری کلیدی وجود دارد. پدافند غیرعامل بر کمینه‌سازی خسارات ناشی از حملات تمرکز دارد. پدافند غیرعامل شامل استراتژی‌ها و اصول مختلفی از جمله آمادگی، چابکی، تاب‌آوری، مبهم‌سازی، ایمن‌سازی، جمع‌آوری اطلاعات و آموزش است که همگی با هدف کاهش آسیب‌پذیری و افزایش بقا در مواجهه با تهدیدات انجام می‌شوند:

۱. اصل آمادگی: بر آمادگی برای پاسخ به حملات با اقدامات و منابع از پیش برنامه‌ریزی شده تأکید دارد؛

۲. چابکی: چابکی توانایی تطبیق سریع و جابجایی منابع و نفرات در پاسخ به تهدیدات در حال تحول و وقوع است؛

۳. تاب‌آوری: که منظور از آن ظرفیت مقاومت در برابر حملات و بازیابی سریع، به حداقل رساندن اختلالات و حفظ عملکردهای ضروری نیروها است؛

۴. مبهم‌سازی: پنهان کردن یا تغییر شکل دارایی‌ها و زیرساخت‌های حیاتی برای دشوار کردن شناسایی و هدف قرار دادن آنها برای دشمن؛

۵. مصون‌سازی: محافظت از زیرساخت‌ها و جمعیت‌های حیاتی در برابر آثار حملات از طریق اقداماتی مانند ساخت پناهگاه‌ها، موانع حفاظتی و پیشگیری از نشت اطلاعاتی است؛

۶. آموزش: فراهم کردن دانش و مهارت‌های لازم برای اجرای مؤثر اقدامات پدافند غیرعامل و پاسخ به حملات توسط پرسنل است؛

۷. بازدارندگی: ممانعت از حملات با نشان دادن یک وضعیت دفاعی قوی و توانایی مقاومت در برابر آنها است.

اصول پدافند غیرعامل در طراحی و چیدمان امکانات، تأسیسات، تجهیزات و حتی افراد ارزشمند برای کاهش آسیب‌پذیری آنها در برابر حملات، از جمله شامل استقرار استراتژیک تأسیسات حیاتی و استفاده از سازه‌های محافظ است. البته که پدافند غیرعامل همیشه امری نسبی است. به عبارت دیگر پدافند غیرعامل همیشه نسبت به قدرت و وسعت اقدامات دشمن کارایی خود را نشان می‌دهد. برای مثال در صورتی که وزن پرتابه‌های دشمن از

حد معینی بیشتر باشد اصولاً امکان طراحی و اجرای سازه‌های حفاظتی که بتواند از هدف حفاظت کند مورد تردید قرار می‌گیرد. همینطور با پیشرفت‌های بسیار گسترده که در حوزه سنسورها و سیستم‌های شناسایی فرو سرخ و تصویرساز راداری صورت گرفته است، از نظر بسیاری کارشناسان اصولی همچون اختفا و استتار به شدت تضعیف شده‌اند. همینطور اصل جابجایی هم تابعی از قدرت دشمن در انجام اقدامات شناسایی و رله اطلاعات کسب شده است. به بیان دیگر در حوزه پدافند غیرعامل ما با یک مسابقه یا بازی طرف هستیم که میزان سرعت عمل یک طرف بر طرف دیگر تعیین‌کننده نتیجه نهایی مسابقه است.

علاوه بر این، پدافند غیرعامل نسبت قابل‌توجهی با پدافند عامل هم دارد و این نسبت تا حدود زیادی عموم و خصوص مطلق است. به این معنی که اگرچه پدافند غیرعامل تأثیر چندان زیادی بر پدافند عامل ندارد اما پدافند عامل می‌تواند بر عملکرد پدافند غیرعامل اثرگذار باشد. به این صورت که با کاستن از بار فشار حملات دشمن، کاستن از امکان عملکرد آزادانهٔ آن، فراهم کردن وقت کافی برای عملیات پدافند غیرعامل در حین و پس از حملات و خنثی‌سازی پرتابه‌های دشمن، در کاستن آسیب‌ها به پدافند غیرعامل کمک می‌کند. از همین رو باید گفت باید میان پدافند عامل و غیرعامل توازن و تعادل وجود داشته باشد. پدافند غیرعامل جایگزینی برای پدافند فعال (اقدامات تهاجمی) نیست، بلکه یک استراتژی مکمل برای افزایش امنیت ملی و به حداقل رساندن آسیب است. به عبارت دیگر این توهم که پدافند غیرعامل به تنهایی می‌تواند بار پدافند عامل را سبک کند یکسره خطا و نادرست است. به علاوه در اجرای پدافند غیرعامل به دو نکته دیگر هم باید توجه کرد: یکی اینکه اقدامات پدافند غیرعامل باید با در نظر گرفتن مزایا و خطرات بالقوه، به شیوه‌ای مقرون به صرفه اجرا شوند و این یعنی در برخی موارد ایجاد حفاظت از نظر اقتصادی غیرممکن است؛ و دیگری اینکه پدافند غیرعامل باید بر اساس ماهیت تهدیدات تطبیق یابد و گاهی ماهیت تهدید به صورتی است که هیچ پدافند غیرعامل قابل تصوری که اثربخشی داشته باشد قابل‌اجرا نیست (جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۴: ۳۰-۳۸).

وضعیت پدافند غیرعامل کشور در جنگ ۱۲ روزه

پدافند غیرعامل کشور در طول جنگ ۱۲ روزه با مسائل و مشکلات عمیق مواجه بود. باید گفت طی بیش از یک دههٔ گذشته همواره به سازمان پدافند غیرعامل انتقادات گسترده‌ای وارد می‌شد. موازی‌کاری، عدم توجه به تجربیات روز جهانی، روزمرگی، فقدان برنامه مشخص و درگیر شدن در مسائلی که اصولاً ارتباطی به این نهاد نداشت از جمله این ایرادات بود. این سازمان همین طور گرفتار شعارمحوری، رقابت مخرب با سازمان‌های دیگر کشور (مانند سازمان حراست کل کشور و افتای ریاست جمهوری) شده بود. در برخی موارد این سازمان به جای پرداختن به مسئله دفاع غیرنظامی و یا مسائل مربوط به مقاوم‌سازی یا طراحی و تأمین سامانه‌های کاهش‌دهنده آسیب بر اثر حملات دشمن، وارد مسائلی مانند حجاب شده بود (پرتو، ۱۴۰۱: ۲۷-۳۴) مجموعه این انتقادات البته چندان هم بی‌راه نبود و در طول جنگ دوازده روزه آثار آن مشخص شد.

صد البته نباید نگاه غیرمنصفانه‌ای به این امر داشت، چراکه به دلیل ضعف‌ها و کاستی‌های پدافند عامل، پدافند غیرعامل قادر به کاستن از آثار تخریبی حملات هوایی رژیم نبود. اصولاً تصوری که در پدافند عامل وجود داشت مبنی بر اینکه رژیم صهیونیستی به عمق خاک کشور به صورت گسترده و مداوم حمله نخواهد کرد در پدافند غیرعامل هم وجود داشت. همین طور اشراف اطلاعاتی بالای رژیم صهیونیستی سبب شد تا بسیاری از تاکتیک‌های پدافند غیرعامل مانند اختفا، پنهان‌سازی، استتار، اهداف کاذب و مقاوم‌سازی نتواند به صورت مؤثر عمل کند.

بی‌انصافی دیگری هم که در حق پدافند غیرعامل می‌شود مربوط به بحث پناهگاه است. برخی این ادعا را مطرح می‌کنند که چرا برای مردم در شهرها پناهگاه ساخته نشده بود. اصولاً به جز در رژیم صهیونیستی شبکه پناهگاهی به این شکل در هیچ جای جهان ایجاد نشده است؛ چون تنها این رژیم بوده که همواره از روز اول تأسیس خود در جنگ بوده است. البته موارد معدودی از کشورهای ثروتمند مانند سوئد و فنلاند هم هستند که دارای شبکه پناهگاهی گسترده هستند اما جمعیت این کشورها اندک است و منابع مالی گسترده‌ای که دارند و تراکم جمعیتی پایین شهرهایشان قابل‌مقایسه با وضعیت اقتصادی

و مالی شهرهای ایران و تراکم جمعیت و وضع زیرساختی کشور ما نیست. به علاوه اصولاً مفروض کلی در همه جنگ‌ها این است که دشمن به حقوق جنگ پایبند است و قواعد مخاصمات مسلحانه را رعایت می‌کند نه اینکه دست به جنگ شهری بزند و عامدانه ساختمان‌های غیرنظامی را هدف قرار دهد. دو آمار جالب از این حیث قابل توجه است: یکی اینکه متوسط تلفات انسانی در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، از متوسط تلفات انسانی در طول جنگ تحمیلی ایران و عراق بیشتر بود و دیگری اینکه در حالی که در جنگ ایران و عراق، تلفات غیرنظامی تنها ۱۰ درصد از کل تلفات ایران در جنگ بود، این رقم در جنگ ۱۲ روزه ۳۰ درصد از تلفات جنگ بود. به این معنی، رژیم صهیونیستی سه برابر بیشتر از صدام حسین غیرنظامیان ایران را هدف قرار داد و به شهادت رساند (شاکری آرانی و کدیور، ۱۴۰۴).

در زمینه هشداردهی برای بمباران هوایی هم آنچه پدافند غیرعامل را ناتوان کرده بود یکی وضعیت پدافند عامل شهر و کشور و دیگری کیفیت عملیاتی رژیم صهیونیستی بود که کار هشداردهی را غیرممکن کرده بود. سیستم هشداردهی راداری کشور (رادارهای پیش اخطار) عملاً در همان مراحل اولیه حملات رژیم نابود شده بود. به عبارت دیگر پدافند عامل کشور امکان هشداردهی برای نیروهای مسلح را از دست داده بود چه رسد به آنکه این هشدار را به مردم بدهد. از سوی دیگر رژیم صهیونیستی حضوری مداوم بر فراز آسمان کشور یافته بود و در چنین شرایطی روشن نبود باید چه زمانی آژیر خطر کشید و اعلام هشدار داد. زیرا در این شرایط عملاً هشداردهی فاقد معنای مشخص است. رژیم صهیونیستی از همین نکته استفاده کرد و سعی کرد به اصطلاح هشداردهی بمباران هوایی صادر کند و مانند غزه و لبنان به مردم ایران دستور تخلیه خانه‌های خود را بدهد.

در این میان برخی طرح‌ها و پیشنهادها در حوزه پدافند غیرعامل حیرت‌انگیز بود. یکی از آنها گشایش ایستگاه‌های مترو به عنوان پناهگاه بود به طوری که مردم می‌توانستند برای خوابیدن در شب به مترو بروند. روشن نیست چنین تصمیمی از کجا به نظر طراحان آن رسیده است. تکلیف بمباران در روز چه می‌شد و مردم در روز باید به کجا می‌رفتند؟ مگر تهرانی‌ها تحت بمباران فرشی یا کارپت بامبینگ بودند که مردم را به زیر زمین و مترو منتقل کنند؟ پراکنش ایستگاه‌های مترو مگر همه محلات تهران (و به خصوص محلات

مجاور مناطق نظامی) را پوشش می‌دهد؟ ایستگاه مترو اصولاً چه امکاناتی برای پذیرش جمعیت در شب دارد؟ و جمعیت قرار است کجا بخوابند و کجا از امکانات ضروری چون سرویس بهداشتی استفاده کنند؟

البته سازمان‌های اجرایی که متولی دفاع غیرنظامی هستند هم عملکرد چندان مطلوبی نداشتند. برای مثال زیر آوار قرار گرفتن افراد و نجات آنها و سرعت عمل سرویس اورژانس به دلایل مختلف محل تردید است. سازمان آتش‌نشانی، اورژانس و هلال احمر هم متأسفانه به دلایل مفصلی مانند کمبود شدید تجهیزات و خودرو و نیز از نظر سطح حرفه‌ای و سرعت عمل و نیز تجهزات و آموزش، شاهد سرعت عمل پایین بودند. یکی از نکاتی که موجب ضعف در پدافند غیرعامل برای نیروهای موشکی کشور بود ضعف در جابه‌جایی بود. بخش عمده پرتابگرهای موشکی کشور، بر اساس کامیون‌های تجاری بودند که امکان تردد در جاده‌های خاکی و زمین‌های غیرآسفالت را نداشتند. در نتیجه به راحتی مسیرهای تردد و استقرار آنان قابل‌شناسایی بود. در حالی که خودروهای پرتابگر موشک موسوم به تلار[1] این قابلیت را دارند که در مسیرهای خاکی، جاده‌های مالرو و نواحی پرت و دور افتاده حرکت کنند و مستقر شوند. در نتیجه جستجو برای یافتن آنها هم بسیار دشوار خواهد شد. البته خودروهای تلار گران‌تر از خودروهای تجاری هستند و تولید داخلی آنها هم بسیار سخت و زمان‌بر است. همین طور این لانچرها در مواردی مورد هدف پهپادهای رژیم صهیونیستی قرار گرفتند که اگر حفاظت زرهی بیشتری داشتند با توجه به وزن کمتر سر جنگی این پهپادها احتمال کاسته شدن از آسیب و آسیب متوسط به جای انهدام قطعی وجود داشت.

یکی از نقاط مورد انتقاد جدی به پدافند غیرعامل در بحث اختلال الکترونیک است. از سال‌ها قبل سازمان پدافند غیرعامل چه برای اهداف سیاسی و اقتصادی کشور و چه برای نیروهای مسلح و اماکن امنیتی و اطلاعاتی و انتظامی و نظامی، سیستم‌های اختلال الکترونیک تهیه کرده بود. این سیستم‌ها برخی ساخت روسیه (مانند سیستم ژیتل) و برخی ساخت چین بودند و برخی هم در داخل کشور توسط شرکت‌های داخلی تولید شدند. هدف از کاربرد این سیستم‌ها یکی از کار انداختن ریزپرنده‌های متخاصم و دیگری

1. Transporter erector launcher and radar (TELAR)

مختـل کردن سیسـتم ارتباطی و هدایت مهمات هوشـمند دشـمن و ارتباطات ماهـواره‌ای آن بـود. امـا آنچـه در جنـگ ۱۲ روزه دیـده شـد این بود کـه عملاً ایـن سیسـتم‌ها قادر بـه خنثی کـردن تهدیـدات نبودند.

یکـی از مسـائل دیگـری کـه در طـول جنگ بـه بحـث پدافنـد غیرعامـل مربوط شـد کند کـردن سـرعت اینترنت کشـور و قطع اینترنـت تلفن همراه بود. گفته می‌شـد رژیم صهیونیسـتی از اینترنـت تلفـن همراه بـرای ردیابـی افراد یا در مـواردی هدایـت ریزپرنده‌های خود اسـتفاده کـرده اسـت. متقابـلاً این مسـئله هـم مطـرح شـد کـه ریزپرنده‌هـای صهیونیسـتی از اینترنت اسـتارلینک اسـتفاده می‌کننـد. امـا حقیقت این اسـت کـه ترمینال اسـتارلینک مثـل اینترنت وای‌فـای بُـرد محـدودی دارد. به همین دلیـل، عوامل موسـاد از طریق اینترنت تلفـن همراه با وی‌پـی‌ان مخصوص خود به ترمینال اسـتارلینک خود در محل امن خود وصل شـده و سـپس از آنجـا بـا اسـتفاده از اینترنـت اسـتارلینک، ریزپرنـده را هدایت می‌کردنـد. بنابرایـن باید گفت قطـع اینترنـت تلفن همـراه در روزهـای واپسـین جنگ، اقدامـی بود که تـا حدی مؤثـر افتاد و توانسـت از شـدت خرابـکاری عمّـال رژیم بکاهد. بـا این حال به بـاور برخی کارشناسـان، اصولاً کُنـد کردن سـرعت اینترنت یـا قطع کردن آن یا ایجـاد اختلال بر روی سـامانه‌های موقعیت‌یاب جی‌پـی‌اس تأثیـری بـر عملیـات نظامی رژیم صهیونیسـتی نداشـته اسـت. فرماندهانـی که به شـهادت رسـیدند از گوشـی هوشـمند یا واتسـاپ اسـتفاده نمی‌کردند که رژیم بخواهـد به این شـیوه آنـان را ردگیـری کنـد. بر عکـس برخی کارشناسـان مدعـی بودنـد رژیم صهیونیسـتی به سیسـتم سراسـری دوربین‌های مداربسـته کشـور دسترسـی پیدا کرده است.

پدافند غیرعامل نظام پولی و بانکی در جنگ ۱۲ روزه

یکـی از جنبه‌های مهم پدافنـد غیرعامل در جریان جنگ ۱۲ روزه مربوط به هک شـدن و حمله سـایبری بـه بانک سـپه بـود. این حمله سـایبری به قـدری قوی بود کـه موجـب از کار افتادن حسـاب‌های این بانک شـد. اهمیت بانک سـپه در اینجا بود که بخش عمده نیروهای مسـلح جمهـوری اسـلامی ایـران حقـوق ماهانه خـود را از ایـن بانک دریافـت می‌کنند. روشـن بود که رژیـم صهیونیسـتی بـرای ضربـه زدن بـه روحیـه نیروهای مسـلح، بـا ایجـاد اخلال در سـامانه

دریافت حقوق آنان، قصد ایجاد مشکل برای زندگی عادی آنان را دارد. این اتفاق به موازات تحولی بود که در طول یک دهه گذشته و از قضا بر اساس الزامات پدافند غیرعامل در کشور طراحی شده بود. به این صورت که کوشش شده بود پول در گردش کشور از اسکناس و سکه به سوی پول الکترونیک تحول یابد. از آنجا که چاپ اسکناس جعلی تهدیدی برای کشور پنداشته می‌شد و موساد هم قبلاً در اردن و مصر از این کار برای آسیب زدن به اقتصاد کشورهای عربی استفاده کرده بود و هم به این دلیل که به دلیل تورم، چاپ اسکناس صرفه گذشته را نداشت و به علاوه کنترل تبادلات مالی مطمئن‌تر بود، بانک مرکزی و مجموعه اقتصادی کشور به سمت و سوی گذار کامل به سمت پول الکترونیک حرکت کرد. از همین رو در حالی که تا میانه دهه ۹۰، نسبت پول کاغذی به پول الکترونیک ۱۰ به ۹۰ بود، در اواخر دهه ۹۰ این میزان به یک درصد و پس از آن هم رفته رفته به میزان کمتری کاهش یافت. یکی از کارزارهای همیشگی مخالفان نظام جمهوری اسلامی هم همیشه این بود که پول نقد از بانک‌ها خارج شود. به این ترتیب با الکترونیک شدن بخش عمده و تقریباً همه پول نقد عملاً امکانی برای موفق شدن کارزارهای آن‌چنانی وجود نداشت. اما همین اتکای کامل به پول الکترونیک هم خطرناک بود و رژیم صهیونیستی کوشید از این نقطه‌ضعف استفاده کند. زیرا با هک شدن بانک سپه امکان پرداخت حقوق کارکنان نیروهای مسلح از بین می‌رفت. البته که این اتفاق رخ نداد اما روشن است که رژیم صهیونیستی در هر تقابل نظامی آتی به دنبال از کار انداختن کل شبکه بانکی کشور خواهد بود.

یکی از خطرات دیگر اقدامات جنگی رژیم صهیونیستی (و آمریکا) این است که ممکن است ذخایر اسکناسی ارزی (دلار، یورو و غیره) کشور با هدف سوزاندن و نابود شدن هدف قرار بگیرد. آمریکا و اسرائیل این اقدام را بارها در برابر دشمنان خود به کار بسته‌اند. برای مثال آمریکا در جریان جنگ با داعش، مقر بانک این گروه که حاوی ۴ میلیارد دلار اسکناس نقد و مقادیر زیادی طلا بود را هدف قرار داد و داعش پس از اینکه این توان مالی عظیم را از دست داد با سرعت بیشتری به سمت سقوط رفت. همین‌طور رژیم صهیونیستی هم بارها بانک‌های حماس در غزه و حزب‌الله در لبنان را با هدف از میان بردن نقدینه ارزی این گروه‌ها و نابودی شبکه بانکی آنها هدف قرار داده است. این اقدامات درس‌های قابل توجهی برای ایران در هر درگیری نظامی آتی در بر دارد.

همین طور باید به تشدید اقدامات رژیم صهیونیستی جهت ضربه زدن به دارایی‌های رمزارزی کشور اشاره کرد. رژیم در طول جنگ ۱۲ روزه و پیش و پس از آن همواره به دنبال سرقت یا توقیف دارایی رمزارزی کشور بوده است و در این مورد وسیعاً از یاری آمریکا هم بهره جسته است. روشن است که با توجه به ارزش بسیار بالای دارایی رمزارزی کشور چه در اختیار دولت و چه بخش خصوصی، چنین اقداماتی پیامدهای اقتصادی جدی برای کشور در پی خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

جنگ ۱۲ روزه تجربیات رزمی واقعی قابل توجهی را در اختیار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران قرار داد. این تجربیات و صدمات ناشی از آن باید به جد مورد بررسی قرار گیرد. در حوزه پدافند غیرعامل این تجربیات باید بیشتر از دیگر موارد تحت توجه باشد. بر اساس آنچه در مطالب بالا گفتیم نکات زیر به عنوان پیشنهادات برای بهبود وضعیت پدافند غیرعامل در هر درگیری نظامی آتی با رژیم صهیونیستی و یا هر بازیگر دیگر مانند آمریکا قابل ارائه به نظر می‌رسد:

۱. لزوم ارتقای سرعت عمل در جابه‌جایی تجهیزات منقول نظامی کشور از طریق برگزاری تمرین‌های منظم و نیز تدوین پروتکل‌های مقتضی؛
۲. افزایش تولید و دسترسی به خودروهای تلار برای تجهیزات موشک‌انداز به منظور کاستن از شانس کشف یا کاهش سرعت کشف توسط دشمن؛
۳. افزایش فاصله استقرار پایگاه‌های موشکی کشور با بُرد عملیاتی نیروی هوایی دشمن یا نیروی دریایی آن در صورت وجود و به خصوص انتقال این نیرو به سمت مناطق شرقی، شمال شرقی و نیمه شرقی بخش مرکزی کشور؛
۴. افزایش تولید اهداف کاذب و گول‌زننده برای دشمن با توجه به تجربیات متعدد و قابل‌توجه در ساخت ماکت‌های با کیفیت نظامی (تجربه اوکراین در جنگ با روسیه) و قابل باور کردن هدف قرار گرفتن این اهداف به وسیله انفجار از طریق قرار دادن مقادیری بنزین و مهمات داخل این ماکت‌ها؛

۵. بهبود مقاوم‌سازی دارایی‌های ارزشمند و بالقوهٔ هدف به خصوص در مواردی که مهمات مورد استفاده دشمن برای هدف قرار دادن آنها قدرت انفجاری پایینی دارد مانند مهمات هواپرتاب پهپادها که وزن سر جنگی بسیار کمتری دارند؛

۶. انجام اقدامات مورد نیاز برای خنثی کردن فلج‌سازی نظام بانکی کشور از طریق افزایش تأمین اسکناس نقد برای پرداخت حقوق کارکنان دستگاه‌های خاص اعم از نیروهای مسلح و پلیس و سازمان‌های امنیتی یا نیروهای امنیتی مردمی همکار؛

۷. ایجاد تمهیدات لازم برای ممانعت از اقداماتی مانند نابود کردن ذخیره اسکناسی ارزهای کشور از طریق بمباران هوایی یا خرابکاری؛

۸. تشدید صیانت و حفاظت از دارایی رمزارزی کشور در برابر تهاجمات آتی؛

۹. خودداری از اقداماتی مانند دعوت از مردم برای رفتن به ایستگاه مترو به دلیل نداشتن توجیه و فایده حفاظتی در کنار خطرات انتظامی متعدد آن؛

۱۰. بازاندیشی و بازسازی و نوسازی در حوزه سیستم‌های اخلال الکترونیک کشور چه در حوزه ضد ریزپرنده و چه حوزه اختلال در مهمات هوشمند دشمن، ارتباطات دشمن و هدایت و کنترل آن؛

۱۱. باز اندیشی در زمینه ایجاد کندی سرعت اینترنت یا قطع کامل آن یا ایجاد اخلال در سیستم موقعیت‌یاب جی‌پی‌اس.

به طور کلی و بالاتر از همه این موارد، سازمان پدافند غیرعامل نیازمند پوست‌اندازی هم در حوزه تفکر سازمانی و اجرایی و هم در زمینه فرماندهی و پرسنل است. این سازمان باید به جد از تجربیات جهانی و نیز تجربیات ملی کشور در جنگ ۱۲ روزه بیاموزد و راهکار ارائه دهد.

منابع

۱. پرتو، امین (۱۴۰۱) **تصویب قانون پدافند غیرعامل در مجلس شورای اسلامی: الزامات و پیش‌بینی‌ها**؛ ماه‌نگار دیده‌بان امنیت ملی، شهریور ۱۴۰۱، شماره ۱۲۵، صص ۲۷-۳۴
۲. شاکری آرانی، محمدجواد و کدیور، علیرضا (۱۴۰۴) آتش در خانه: بازخوانی جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران با نگاهی به آمار شهدا؛ مجلهٔ تحلیل دقیقه، در دسترس در: https://d-mag.ir/p21461
۳. جهاد دانشگاهی (۱۳۹۴) مبانی و اصول پدافند غیرعامل، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.